





دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

سیاست خارجی ایالات متحده در قبال خاورمیانه

بر اساس سیاست تغییر باراک اوباما

محمد حسین انصاری

استاد راهنما:

آقای دکتر ابراهیم متقی

استاد مشاور:

آقای دکتر سید داوود آقایی

مهرماه ۱۳۹۰

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزتر از جانم،

برادر مهربان و دلسوزم ،

همسرم ستاره مهربان، صبور و فداکارم

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم، پدر و مادر و برادر و همسر فداکار نصیبم ساخته تا در سایه
درخت پر بار وجودشان بیاسایم و از ریشه آنها شاخ و برگ گیرم و از سایه وجودشان در راه کسب
علم و دانش تلاش نمایم.

آنان که بودنشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم.

چرا که پس از پروردگار مایه هستی ام بودند، دستم را گرفتند و راه رفتن را در این وادی پر از فراز
و نشیب آموختند.

آموزگارانی که برایم زندگی بودن و انسان بودن را معنا کردند.

با تشکر از:

با سپاس از الطاف بی کران ایزد منان، شایسته است از اساتید بزرگوارم جناب آقایان دکتر ابراهیم متقی، استاد راهنما و دکتر سید داوود آقایی، استاد مشاور و نیز سرکار خانم دکتر لطفیان که در نگارش پایان نامه مرا ارشاد نمودند و همواره در طول دوره تحصیلی از راهنمایی های عالمانه ایشان بهره مند شدم، تقدیر و تشکر به عمل آورم.

هم چنین از جناب آقای محمد رضا خانی دوست بسیار صمیمی و عزیزم که صبورانه و مهربانانه بنده حقیر را در دوره تحصیل تحمل کرده و همواره از کمک و راهنمایی ایشان یاری جستم.

جا دارد از همکاری صمیمانه دوست بزرگوارم جناب آقای سید صاحب صادقی که همواره طی این مدت از هیچ کمکی دریغ نکرده و صمیمانه مرا یاری رساندند تشکر به عمل آورم.

با آرزوی سلامتی و شادابی در تمام مراحل زندگی برای این بزرگواران امیدوارم پژوهش حاضر توانسته باشد زحمات گران بهایشان را هر چند ناچیز جبران کرده باشد.

چکیده:

هرچند سخن از وجود یک سیاست مشخص و معین از سوی دولت اوباما در قبال خاورمیانه دشوار می‌نماید، اما از مجموعه سیاست‌های اعلامی و اعمالی و رفتارهایی که تاکنون از سوی دولتمردان و سیاستمداران امریکایی صادر شده است، می‌توان برخی خطوط کلی و روندهای موجود و در حال شکل‌گیری را شناسایی کرد. محورهای اصلی سیاست خارجی دولت اوباما در خاورمیانه تا اندازه‌ای معطوف به چالش‌های پیشین منطقه‌ای از جمله صلح خاورمیانه، تضمین انتقال انرژی، ثبات در عراق، مسئله هسته‌ای ایران، ناآرامی‌ها در افغانستان و پاکستان، رقابت تسلیحاتی، تروریسم و ... و چالش‌های جدید منطقه‌ای به ویژه تحولات دنیای عرب است.

با پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا سیاست خارجی وی حالتی ناتوان از داشتن یک خط مرز روشن سیاسی در برخی خطوط کلی سیاست خارجی خاورمیانه است، اوباما بعد از پیروزی در انتخابات امریکا از آینده‌ای خوشایند سخن گفت به گونه‌ای که اکثر دولت‌های خاورمیانه و مردم جهان اسلام چشم به اظهارات و راهکارهای وی در رابطه با حل مشکلات و بحران‌ها دوخته‌اند؛ اظهارات باراک اوباما که همراه با تلاش وی در تحقق آنها برآمده است سبب بالا رفتن سطح انتظارات از وی شده است.

در این راستا پژوهش حاضر با نگاهی واقع‌گرایانه در ۵ فصل به بررسی ابعاد گوناگون سیاست تغییر اوباما و پی آمده‌های آن در منطقه خاورمیانه می‌پردازد. در این راستا سعی شده است به بررسی این پرسش پرداخته شود که آیا سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما با تأکید بر سیاست تغییر تأثیری بر سیاست خاورمیانه‌ای دولت وی و ثبات منطقه خاورمیانه داشته است یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه پژوهش مبتنی بر این می‌باشد که سیاست خارجی اوباما منجر به تغییر در سیاست خارجی امریکا به دلیل تأکید بر الگوی منطقه‌گرایی در فضای مشارکت و همکاری با کشورهای خاورمیانه شده و بر ثبات منطقه خاورمیانه تأثیر مثبت خواهد داشت.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، خاور میانه، سیاست تغییر، اوباما

فصل اول: کلیات	۱
مقدمه	۲
تعریف مساله ، اهداف و ضرورت اجرای طرح	۴
اهداف پژوهش	۱۰
کاربرد دست آوردهای پژوهش	۱۰
پیشینه و سوابق پژوهش	۱۰
سوالات پژوهش	۱۳
سوال اصلی	۱۳
سوالات فرعی	۱۳
فرضیات	۱۴
فرضیه اصلی	۱۴
فرضیات رقیب	۱۴
روش ها و فنون اجرای طرح	۱۴
چارچوب نظری	۱۴
فصل دوم: سیاست خارجی ایالات متحده امریکا	۱۵
۱- سیاست خارجی	۱۶
۲- عناصر مؤثر در شکل گیری سیاست خارجی آمریکا	۲۰
۲-۱- نخست: تأثیر متغیرهای فردی بر سیاست خارجی آمریکا	۲۱
۲-۲- دوم: تأثیر متغیرهای مربوط به نقش در سیاست خارجی ایالات متحده	۲۲
۲-۳- سوم: تأثیر متغیرهای بوروکراتیک بر کارکرد سیاست خارجی امریکا	۲۳

۲-۴- چهارم: تاثیر متغیر های ملی بر رفتار سیاست خارجی امریکا	۲۳
۲-۵- پنجم: تاثیر متغیرهای سیستماتیک در سیاست خارجی امریکا	۲۴
۳- نظریه واقع گرایانه سیاست بین المللی	۲۴
۳-۱- واقع گرایی در تاریخ ایالات متحده امریکا	۲۵
۳-۱-۱- منطق برترجویی	۲۸
۳-۱-۲- منطق انزوآگرایی	۲۹
۳-۱-۳- منطق لیبرالیسم	۳۲
۴- راهنمای سیاست خارجی ایالات متحده: جهانی شدن یا ژئوپلیتیک	۳۳
۵- سیاست خارجی امریکا پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱	۳۸
فصل سوم: سیاست خارجی ایالات متحده در خاورمیانه	۴۶
۱- نظام منطقه ای خاورمیانه	۴۷
۱-۱- جهان عرب	۴۷
۱-۲- دولت های غیر عرب پیرامون	۴۹
۱-۳- مدل های حکومتی در خاورمیانه عربی	۴۹
۲- سیاست خارجی ایالات متحده در قبال خاورمیانه	۵۱
۲-۱- نگرش های گوناگون به مسائل خاورمیانه	۵۲
۲-۱-۱- نگرش تاریخی	۵۲
۲-۱-۲- نگرش واقع گرایانه	۵۲
۲-۱-۳- نگرش تحلیل سیاست خارجی	۵۲
۲-۱-۴- رهیافت مبنی بر نقش ایدئولوژی و هنجارها - سازه انگاری	۵۳
۲-۱-۵- نگرش جامعه شناسی تاریخ بین المللی	۵۳
۳- سیاست بین المللی خاورمیانه	۵۴

۳-۱	ماهیت سیاست بین المللی پس از جنگ سرد در خاورمیانه.....	۵۵
۳-۲	خاورمیانه، سیاست بین الملل و قواعد بازی نوین.....	۵۷
۳-۳	جهت گیری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر.....	۵۸
۴	استراتژی ایالات متحده در قبال جهان اسلام و ایران.....	۶۰
۴-۱	رویکرد آمریکا در قبال جهان اسلام.....	۶۱
۴-۲	تغییر در موضع گیری آمریکا.....	۶۳
۴-۳	دیدگاه آمریکا نسبت به اسلام.....	۶۴
۴-۴	گروه های متنفع ضد اسلامی.....	۶۶
۴-۴-۱	راست مسیحی.....	۶۶
۴-۴-۲	گروه فشار اسرائیل.....	۶۸
۴-۵	مناسبات با عراق و جهان شیعه.....	۷۰
۴-۵-۱	سکولارها.....	۷۰
۴-۵-۲	عمل گرایان.....	۷۱
۴-۵-۳	جهادگرایان.....	۷۱
۴-۶	ملاحظات ژئوپلیتیکی.....	۷۳
فصل چهارم: سیاست تغییر اوباما در رابطه خاورمیانه.....		
۱	انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۰۸.....	۷۸
۱-۱	الگوهای انتخاباتی.....	۷۹
۱-۲	باراک اوباما، نامزدی و رای مرزهای هویتی.....	۸۲
۱-۳	از میان رفتن محوریت جنوب.....	۸۳
۲	سند استراتژی امنیت ملی باراک اوباما.....	۸۵
۲-۱	اوباما و گفتمان تغییر.....	۸۶

۸۸	۲-۲- اصول محوری در استراتژی اوباما
۹۱	۲-۳- بررسی محتوای سند
۹۲	۲-۴- برآوردی از استراتژی امنیت ملی
۹۳	۲-۵- رهیافت استراتژیک
۹۶	۲-۶- پیشبرد منافع
۱۰۰	۲-۷- برآوردهای تطبیقی با اسناد دولت بوش
۱۰۳	۲-۸- ایران در نگاه استراتژیک آمریکا
۱۰۷	۳- عوامل تأثیر گذار در سیاست خارجی دولت اوباما
۱۰۸	۳-۱- محدودیت های سیاست خارجی آمریکا
۱۱۳	۳-۲- استثنائگرایی آمریکا و چالش های آن
۱۱۴	۳-۳- موانع عینی تغییر در سیاست خارجی آمریکا
۱۱۶	۴- گفتمان تغییر در سیاست خارجی اوباما
۱۲۱	۴-۱- پی آمد گفتمان تغییر در سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران
۱۲۴	فصل پنجم: نتیجه گیری و جمع بندی
۱۲۵	نتیجه گیری
۱۳۲	منابع
۱۳۲	منابع فارسی
۱۳۷	منابع انگلیسی

فصل اول کلیات

مقدمه:

سیاست خارجی شامل تعیین، اجرا و تأمین یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین‌المللی از سوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد. از دید ریمن آرون سیاست خارجی دولت‌ها خود حاصل فعل و انفعال جامعه داخلی است، اما شبکه‌ای از ارتباطات به هم فشرده نیز در سطح جهان به وجود می‌آورد که موجد همبستگی یا روابطی غیر از آنچه دولت‌ها درگیر آن هستند می‌شود. بوش در حالی کاخ سفید را ترک کرد که پرونده‌های بسیار سنگینی را برای میراث‌دار خود باراک اوباما به جا گذاشته است یکی از بزرگترین و در عین حال پیچیده‌ترین این پرونده‌ها در حوزه سیاست خارجی پرونده خاورمیانه است؛ که با قتل عام گسترده مردم فلسطین به دست اسرائیل، کشته شدن صدها انسان بی‌گناه در عراق و افغانستان، ناامنی منطقه‌ای، ترس از هسته‌ای شدن ایران، وجود طالبان و القاعده همراه بوده است. اگر ایالات متحده آمریکا می‌خواهد نقش کلیدی در رهبری خاورمیانه داشته باشد و هم‌پیمانان استراتژیک خود در منطقه را حفظ کند؛ می‌بایست به صورت ریشه‌ای درباره سیاست‌های کشورش در قبال مسائل و بحران‌های منطقه‌ای خاورمیانه تغییراتی بوجود آورد؛ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا باراک اوباما به هنگام ورود به کاخ سفید برنامه سیاست خارجی را ارائه کرد که به مثابه حرف‌های دل و ناگفته جهان اسلام و خاورمیانه بود، سیاستی سمبلیک و تا حدود زیادی بدون استراتژی، برنامه‌هایی در مورد جبران شکست‌های سیاست خارجی ایالات متحد در دوران جرج بوش.

با گذشت بیش از یک سال و نیم از پیروزی اوباما در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا سیاست خارجی وی حالتی ناتوان از داشتن یک خط مرز روشن سیاسی است، اوباما بعد از پیروزی در انتخابات آمریکا از آینده‌ای خوشایند سخن گفت به گونه‌ای که اکثر دولت‌های خاورمیانه و مردم جهان اسلام چشم به اظهارات و راهکارهای وی در رابطه با حل مشکلات و بحران‌ها دوخته‌اند؛ اظهارات باراک اوباما که همراه با تلاش وی در تحقق آن‌ها برآمده است سبب بالا رفتن سطح انتظارات از وی شده است. باراک اوباما که با شعار تغییر در سیاست خارجی وارد کاخ سفید شد، با وعده‌هایی به دولت‌ها و مردمان منطقه خاورمیانه آغاز به کار کرد؛ وی وعده داد نیروهای خارجی حاضر در عراق را از این کشور خارج کرده و امنیت عراق را به نیروهای داخلی واگذارد؛ در مورد افغانستان نیز این مسئله به طور صریح روشن شود که آیا این کشور به کمک‌های نظامی نیاز دارد یا اجتماعی؛ و این که ایالات متحده در هر مورد کمک‌هایی را در جهت کاهش مشکلات افغانستان به این کشور برساند.

علاوه بر این آرام کردن ایران از طریق مذاکره و برقراری آشتی میان اسرائیل و فلسطین بخش دیگری از وعده-های اوباما بوده است. هیچ رئیس جمهوری پیش از باراک اوباما (این مطلب بیانگر نادیده گرفتن تیم های قوی سیاست خارجی سابق ایالات متحده نمی باشد و صرفاً جهت تأکید بر نیرومند بودن تیم سیاست خارجی اوباما می باشد)، به اندازه وی در چنین ابعادی با همراهی مهره‌های سیاسی تیم سیاست خارجی خود به مسائل سیاست خارجی و جنجال برانگیز نپرداخته است، از هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه تا رابرت گیتس وزیر دفاع، از ریچارد هالبورک تا جیمز جونز و جورج میشل.

باراک اوباما در این مدت که به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده امریکاست با احساساتی هر چند تمام‌تر از ابتکار عمل سخن گفته است، ابتکار عمل‌هایی شاید تحقق یافتنی و یا شاید تحقق نیافتنی؛ عراق هم چنان به عنوان یک مشکل و بحران در سیاست خارجی امریکا و منطقه خاورمیانه مطرح می‌باشد، چشم دنیای اسلام هم چنان به وعده‌های عملی نشده باراک اوباما دوخته است؛ که در سخنرانی خود در قاهره از آنها سخن به میان آورده بود، مشکلاتی هم‌چون مسئله اتمی ایران، وجود القاعده به عنوان گروه تروریستی مخالف منافع ایالات متحده در منطقه، احیای دوباره طالبان در افغانستان در مقابل امریکا، بحران یمن، حماس و حزب الله و... در پیش روی ایالات متحده و شخص باراک اوباما قرار دارند. ریاست جمهوری باراک اوباما از لحاظ ارائه سیاست‌ها تا حدودی نسبت به دوره جرج بوش موفق بوده است؛ هر چند از نگاه منتقدان این سیاست‌ها می‌تواند همراه با محتوایی ضعیف باشد. با این وجود تغییر شیوه و لحن در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در قبال خاورمیانه بدون شک یکی از پیش نیاز های اساسی برای پیشرفت این سیاست‌ها می‌تواند باشد؛ اما می‌بایست به این نکته نیز توجه داشت که سطح انتظارات از رئیس جمهور امریکا با توجه به وعده‌هایی که داده است افزایش یافته است و می‌توان گفت که شاید اعطای جایزه صلح نوبل به اوباما بر اساس موج انتظاراتی بوده است که نسبت به وی پس از تصدی دولت به وجود آمده است.

با این وجود می‌توان شرایط حال حاضر در سطح بین‌المللی و سطح منطقه خاورمیانه را آزمونی برای دولت ایالات متحده امریکا و شخص باراک اوباما دانست که با تکیه بر شعار تغییر و دگرگونی در سیاست خارجی به فعالیت می‌پردازند. این پژوهش تلاش دارد که با توجه به شرایط بین‌المللی و منطقه خاورمیانه و درک آن به تأثیر سیاست خارجی ایالات متحده امریکا به رهبری باراک اوباما با تأکید بر شعار تغییر بر منطقه خاورمیانه در

دوره زمانی که او باما به عنوان رئیس جمهور انتخاب شدند پردازد. پژوهش حاضر در ۵ فصل به ترتیب ذیل انجام شده است:

۱- در فصل اول کلیات که به معرفی و اهمیت موضوع در چارچوب سیاست تغییر باراک او باما پرداخته شده است؛ ۲- فصل دوم در ارتباط با تعریف سیاست خارجی و سیاست خارجی ایالات متحده پرداخته است؛ ۳- فصل سوم که تحت عنوان سیاست خارجی ایالات متحده امریکا است تلاش شده است سیاست خارجی امریکا در تئوری و تاریخچه بیان شود؛ ۴- فصل چهارم تحت عنوان شاخص های سیاست تغییر او باما در قبال خاورمیانه تلاش دارد سیاست خارجی ایالات متحده را در دوره ۱۵ ماهه بعد از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ واکاوی کند و ۵- نهایت در فصل پنجم به نتیجه گیری موضوع پرداخته شده است.

تعریف مساله ، اهداف و ضرورت اجرای طرح:

الف- تعریف (بیان) مسئله: هر چند سخن از وجود یک سیاست مشخص و معین از سوی دولت او باما در قبال خاورمیانه دشوار می نماید، اما از مجموعه سیاست های اعلامی و اعمالی و رفتارهایی که تاکنون از سوی دولتمردان و سیاستمداران امریکایی صادر شده است، می توان برخی خطوط کلی و روندهای موجود و در حال شکل گیری را شناسایی کرد. محورهای اصلی سیاست خارجی دولت او باما در خاورمیانه تا اندازه ای معطوف به چالش های پیشین منطقه ای از جمله صلح خاورمیانه، تضمین انتقال انرژی، ثبات در عراق، مسئله هسته ای ایران، ناآرامی ها در افغانستان و پاکستان، رقابت تسلیحاتی، تروریسم و غیره است. اما آنچه در ماه های اولیه سکانداری ریاست جمهوری امریکا از سوی او باما برجسته تر می نماید، تمرکز ویژه بر افغانستان، پاکستان، ایران و ابهام در خصوص تداوم حمایت بی قید و شرط از اسرائیل است.

با توجه به چالش‌ها و موضوعات مطرح در خاورمیانه از جمله مناقشه اسرائیل و فلسطین، مسئله هسته‌ای ایران، ثبات در عراق، افغانستان و ... ظرفیت‌های سیاست خارجی آمریکا در تغییر رویکرد در مسائل یاد شده از محدودیت‌ها و ضرورت‌هایی نیز برخوردار است. بر این اساس به نظر می‌رسد که شناخت مختصات سیاست‌های جدید احتمالی آمریکا در منطقه که حامل فرصت‌ها و تهدیدهایی خواهد بود، باید با نگاهی جامع صورت پذیرد. نگرشی دوباره به مسائل و چالش‌های منطقه به ویژه مسائل ایران با غرب و آمریکا و تعریف صحیح اهداف و اولویت‌ها در کنار شناسایی سیاست‌های جدید در منطقه، می‌تواند در انتخاب صحیح ابزارهای نیل به اهداف ملی کشورها راهگشا باشد.

زمانی که صحبت از سیاست خارجی و یا سیاست خاورمیانه‌ای دولت آمریکا یا اوباما می‌شود، باید دید که چقدر این مفهوم دقیق است. در جواب به نظر می‌آید که این طور نیست و یا دست کم همیشه گفته می‌شده است که آمریکا سیاست خاورمیانه‌ای مشخصی ندارد؛ سخت است که یک سیاست منسجم به نام سیاست خاورمیانه تدوین شود. سیاست منسجمی که بتواند در اصل حول یک مفهوم، عملیات محوری سیاست خارجی را راهنما باشد. لذا در عالم واقع آنقدر تضادها و تعارض‌های ارزش‌ها زیاد است که معمولاً چنین مفهومی را به سختی می‌توان در یک قالب ارائه کرد. لذا معمولاً به دلیل اینکه فهم و تحلیل آن راحت‌تر شود، ساده‌سازی انجام می‌شود؛ ضمن اینکه تعارض‌ها و تفاوت‌ها هم در نظر گرفته می‌شود. با توجه به موضوعات اصلی که در منطقه وجود دارد و اولویت مسائل مطرح، مشاهده می‌شود که در آینده خاورمیانه بدون اغراق پر چالش‌ترین منطقه جهان خواهد بود. مسئله خاورمیانه یک مسئله جهانی است؛ چرا که این منطقه جهانی و بین‌المللی به حساب می‌آید و حل بسیاری از مسائل، به خصوص در این دوران که دنیا در حال انتقال به سمت شرایط جدیدی است، بیش از همیشه به دیگر نقاط جهان مرتبط است. خاورمیانه یک موضوع جهانی بوده، هست و خواهد بود. اوباما در دوران مبارزات انتخاباتی و قبل از آن هیچ‌گاه در خصوص خاورمیانه منسجم عمل نکرده است. اوباما و تیم وی به دلایل متعدد در این مسئله محتاط عمل کرده و تعارض و عدم ثبات در ادعاهایشان داشته‌اند. سیاست‌های آنها هنوز به طور رسمی اعلام نشده است و استنباط بر این است که احتمالاً سند مشخصی در خصوص ایران و صلح اعراب و اسرائیل، به دلیل مشکلاتی که دارند، منتشر نساژند. برخی به دلیل مسائل خود منطقه به خصوص اسرائیل که مسئله اصلی و محوری منطقه است، معتقدند تیم اوباما در خصوص ارائه سیاست رسمی

مکتوب محتاط خواهد بود. به هر حال فشار گروه‌های ذینفع و متعدد داخل آمریکا در این خصوص بسیار زیاد است. ترسیم یک چارچوب واحد و سیاست منسجم از سوی آمریکا که متکی بر یک ایده محوری باشد، بسیار سخت و زود است، ولی می‌شود دست کم خطوط اصلی آن را استخراج و استنباط کرد. در گذشته آمریکا سیاست دو ستونی متکی بر ایران و عربستان را به عنوان راهبرد امنیتی دنبال می‌کرد. ولی بسیاری معتقدند که نیازها و شرایط جدید، سیاست جدیدی را می‌طلبد. در اصل استراتژی کلان آمریکا در منطقه دچار مشکل جدی مفهومی است. می‌توان گفت که دستگاه سیاست خارجی اوباما در منطقه خاورمیانه با سه موضوع محوری مواجه است: الف) روند صلح در خاورمیانه، ب) عراق و ایران و ج) افغانستان. در بحث احیای روند صلح و شروع جدی آن این اعتقاد در دولت جدید آمریکا وجود دارد که زیرساخت احیای روند صلح، با نشستی که در آنپولیس برگزار شد آماده و مهیا است. در این روند دو مسئله مهم وجود دارد: نخست فعال‌سازی سوریه و مذاکره با اسرائیل، و دوم چگونگی برقراری تعامل با نیروهایی همچون حماس و حزب‌الله می‌باشد.

در این روند، چالش اصلی برای دولت آمریکا این است که چطور می‌تواند ضمن پرهیز از امتیازدهی زیاد به گروه‌های تندرو، این مسیر را با هزینه کمتری طی نماید. در محور دوم یعنی موضوع عراق و ایران، با توجه به اینکه شیب اوضاع عراق رو به بهبود است، آمریکا تلاش خواهد کرد تا با عبور از نظامی محوری در عراق، مناسبات خود را به سمت روابط استراتژیک دراز مدت با این کشور هدایت کند و در مورد ایران نیز در کنار اعمال فشار و تهدید، خط تعامل را دنبال نماید. مسئله افغانستان نیز از دیگر مقولات محوری در سیاست خارجی دولت اوباما در خاورمیانه محسوب می‌شود. آمریکا با توجه به پیچیده بودن شرایط در این کشور، بیشتر به سمت سیاست کنترل و مهار پیش خواهد رفت تا ضمن مبارزه با تروریسم در این کشور بتواند موقعیت خویش را نیز ترمیم دهد.

به طور کلی می‌توان گفت که از دید دولت اوباما، تفاوت منطقه خاورمیانه در زمان بوش و اکنون در این است که در دوره بوش طرح زمین در برابر صلح مطرح بود، حال آنکه در دوره جدید علاوه بر این مفهوم، بازسازی موازنه قدرت نیز نقش کلیدی یافته است. در تمامی محورهای یاد شده، ایران به نوعی در کانون تحولات قرار دارد. آمریکا در این مرحله در حال عبور از دورانی بسیار مبهم است و تاریخ به سمت یک سیاست جدید خواهد بود که بازسازی موازنه منطقه‌ای از اهداف اصلی آن می‌باشد. از سوی دیگر به دنبال

مطرح شدن بحث تغییر در سیاست خارجی آمریکا از سوی باراک اوباما، برخی آن را تأیید و عده‌ای آن را نفی می‌کنند. با توجه به اینکه تغییر لزوماً در بافت مادی قدرت نیست، به نظر می‌آید که تغییر مطرح شده از سوی اوباما در حال حادث شدن است. به عبارت دیگر، تغییر برای قدرتی هم‌چون ایالات متحده حتی اگر در سطح گفتمان باشد، چندان کار ساده‌ای نیست و نباید آن را دست کم گرفت و می‌تواند اثرات بسیار عمیقی روی عناصر مادی و مفهوم قدرت داشته باشد.

باید توجه داشت که تغییر گفتمان، بخش جدی و لاینفک از تغییر ساختار قدرت و تغییر مادی قدرت در دنیاست و آمریکا بعد از دوره بوش، که چهره یک دولت انقلابی را به نمایش گذاشت در حالی که می‌توانست به عنوان یک قدرت برتر در جهان به حفظ وضع موجود بپردازد چاره‌ای جز تغییر نداشت. به نظر می‌آید که اوباما کنشگر جدی و هدفمندی است که می‌تواند مسیر تغییر را پیگیری نماید. با این وجود عده‌ای دیگر بر این باور می‌باشند که تغییر از جانب آمریکا بیش از آن که فعالانه باشد، انفعالی بوده و دست کم در قبال خاورمیانه اساساً جدی نبوده است. این عده با این استدلال که بحث اسرائیل و فلسطین از کلیدی‌ترین مسائل خاورمیانه است که در دوره اوباما مطرح شده و موضع مشخصی که حاکی از تغییر رویکرد آمریکا باشد در آن دیده نشده است، تغییر مطرح شده را جدی نمی‌دانند. همچنین این طور گفته می‌شود که در موضوعات افغانستان و پاکستان نیز همان روند بوش با شدتی بیشتر در حال تداوم است و تنها سطح آن افزایش یافته است. در خصوص ایران نیز هر چند بیشتر سخن از کاربرد دیپلماسی و برقراری تعامل می‌شود تا استفاده از زور، اما هدف نهایی که کاهش وزن ایران در منطقه است، تغییر نیافته است؛ به عبارت دیگر ابزارهای آمریکا برای تغییر چندان زیاد و متنوع نیست. از سوی دیگر شاید بتوان گفت مبهم‌ترین نقطه‌ای که در سیاست خاورمیانه‌ای اوباما وجود دارد، اسرائیل است. اوباما ابتدا شعار تغییر را مطرح ساخت، حال این تغییر در خاورمیانه که مهمترین مسئله‌اش مسئله اعراب و اسرائیل است، چگونه قابل تفسیر خواهد بود. تاکنون اوباما به صراحت عنوان کرده که در قبال برخی از کشورهای خاورمیانه چه سیاستی را دنبال خواهد کرد. در خصوص عراق، تا مرحله خروج نیروها از آن کشور را عنوان کرده است و در مورد افغانستان و پاکستان، حداقل در سیاست‌های اعلامی، سیگنال‌های مشخصی مبنی بر افزایش نیروها دارد. در مورد ایران اعلام شده است که به سمت مذاکره و تعامل پیش می‌رود، ضمن اینکه بحث تحریم‌ها همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند. اما در این میان

هیچ سیگنال مشخصی راجع به بحث اسرائیل دریافت نشده است و این زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم آمریکا به شدت به دنبال این است که تصویر مطلوب‌تری از خود در خاورمیانه و جهان عرب ارائه دهد. این تصویر گره خورده با رویکردی است که آمریکا قرار است در قبال اسرائیل داشته باشد. تاکنون آمریکا همیشه حمایت بی‌قید و شرطی را از اسرائیل به نمایش گذاشته است که شاید مهمترین دلیل دشمنی اعراب با آمریکا از همین جا نشأت گرفته باشد. شاید خیلی بعید به نظر برسد اگر گمان کنیم که با روی کار آمدن اوباما، از اسرائیل سلب حمایت می‌شود، اما به نظر می‌آید که از این پس قرار نیست حمایت بی‌قید و شرطی از اسرائیل انجام شود. این مسئله هم در قضیه صلح اعراب و اسرائیل، هم در مسئله وجهه آمریکا در بین اعراب و هم در مورد ایران بسیار مهم است. آمریکا با صراحت اعلام کرده که در گام نخست مخالف حمله اسرائیل به ایران است و در درجه دوم، مخالف تعیین جدول زمانی برای مذاکرات بین آمریکا و ایران است. هر چند که کارشناسان داخلی خود آمریکا این پیشنهاد را داده‌اند که باید زمان را باز گذاشت، اما اعلام صریح آن به ویژه بعد از اینکه اسرائیل چنین پیشنهادی را ارائه می‌کند، خود نشانه‌ای است که آمریکا در حال فاصله گرفتن از سیاست‌های بوش در حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل است. نکته مهم آن است که این ابهام وجهی کاملاً دو سویه دارد؛ یعنی هم از طرف آمریکا و هم از طرف اسرائیل این ابهام وجود دارد. یک نظرسنجی در اسرائیل نشان می‌دهد که ۷۳ درصد از مردم اسرائیل بر این باورند که سیاست بوش در قبال اسرائیل خیلی بهتر بود و این یک نشانه مهم تلقی می‌شود. زمانی که اکثر مردم دنیا از اوباما و سیاست‌های جدید او استقبال کرده‌اند، ملت اسرائیل ترس و واهمه بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کند. بنابراین، سیاست ترسیمی اوباما در خاورمیانه با تصویری که قرار است از آمریکا به نمایش گذارد، گره خورده است. رویکرد اوباما در قبال اسرائیل دو مخالف اصلی دارد، یکی مخالفان داخلی آمریکا که معتقدند اوباما غرور و عظمت آمریکا را خدشه‌دار می‌کند و بخشی از مخالفان هم در اسرائیل هم در بدنه دولت و هم در بدنه ملت وجود دارد. این تضاد می‌تواند در تحولات آینده تأثیرگذار باشد و مبهم‌ترین بخش سیاست‌های خاورمیانه‌ای اوباما همین بخش خواهد بود. به هر حال می‌توان گفت که در مقطع کنونی، به دلیل نظر نسبتاً مثبت اعراب به اوباما، فرصت استثنایی برای آمریکا فراهم شده که حفظ آن از اهمیت خاصی برخوردار است. کارشناسان امور سیاسی معتقدند که این محبوبیت اوباما روی لبه تیغ قرار دارد و اگر تاخیری در عملکرد اوباما ایجاد شود در قضیه فلسطین، اعراب

و حتی اصلاحات در جهان اسلام این محبوبیت به دشمنی تبدیل خواهد شد. در واقع وضعیت کنونی حالت فتری دارد که در صورت استفاده صحیح می‌تواند دستاوردهای بزرگی داشته باشد، در غیر این صورت به وضعیت قدیم رجعت خواهد کرد و مسائل بسیار پیچیده‌تر خواهد شد. همچنین خروج از عراق باید کاملاً طبق برنامه جلو رود؛ چرا که این هم در کنار قضیه اعراب و اسرائیل، برای جهان اسلام در تصویرسازی از آمریکا بسیار مهم است. در نهایت باید گفت که محافل سیاسی آمریکا، از نگاه سنتی پیشین خود به اسرائیل در حال فاصله‌گیری است و اولویت منافع آمریکا بر منافع اسرائیل به مباحثه و نگرانی جدی تبدیل شده است. در حال حاضر دولت اوباما تلاش دارد تا پیش از هر اقدام مشخص عملی، فضا سازی مثبت را در منطقه به اجرا گذارد و به ارزیابی پیامدهای تغییر در سیاست‌های منطقه‌ای خود بپردازد. هم چنان که ذکر شد، از آنجا که تغییر لزوماً در بافت مادی قدرت شکل نمی‌گیرد و در ابعاد غیرمادی از جمله گفتمانی نیز قابل شناسایی است، به نظر می‌آید که سطحی از تغییر در سیاست خارجی دولت اوباما در خاورمیانه در حال پیگیری است .

مسئله هسته‌ای ایران یکی از نقاط مرکزی سیاست خاورمیانه‌ای اوباما محسوب می‌شود و ایالات متحده با آگاهی از میزان ارتباط و پیوستگی مسئله ایران با دیگر موضوعات خاورمیانه، در صدد است تا با حل و فصل آن به گونه‌ای مطلوب، گامی موثر در منطقه بردارد. با توجه به حساسیت مسئله ایران در سیاست خارجی ایالات متحده، عدم توجه دولتمردان و سیاستمداران کشور به سطح تغییر رویکرد در سیاست خاورمیانه ای آمریکا و نادیده گرفتن فرصت‌های احتمالی، می‌تواند منافع ملی کشور را به مخاطره اندازد . از دیگر مسائل مهم و مطرح در سیاست خاورمیانه ای آمریکا که برای ایران نیز بسیار حائز اهمیت است، رویکرد دولت اوباما در قبال مسئله اسرائیل است. هرچند فضای ابهامی موجود پیرامون این مسئله پررنگ می‌نماید، اما به نظر می‌رسد که دولت اوباما قصد ندارد دقیقاً نگاه سنتی پیشین آمریکا به اسرائیل را دنبال کند. در صورت تقویت چنین نگرشی، انتظار می‌رود تا منطقه شاهد تحولاتی از نوع نوین باشد.

حال این سوال می‌تواند ارائه شود که سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر پایه سیاست تغییر باراک اوباما در قبال منطقه خاورمیانه چه تأثیری به جای می‌گذارد؟

اهداف پژوهش:

کاربرد دست آوردهای پژوهش:

نتیجه این پژوهش می تواند ما را در، درک صحیح تر جایگاه منطقه خاورمیانه در سیاست خارجی ایالات متحده امیکا در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما یاری رساند و تاثیر سیاست تغییر اوباما را در تغییر و تحولات احتمالی در منطقه نمایان سازد. به بیان دیگر این پژوهش می تواند ما را به صورت علمی به این نکته رهنمود سازد که منافع ایالات متحده امریکا در منطقه خاورمیانه در دوران جرج بوش با عملکردهایی از سوی امریکا به همراه بوده است که بر بحران های منطقه افزوده است و باراک اوباما با اعلام سیاست تغییر به دنبال کاهش این بحران ها و تامین منافع ایالات متحده امریکا و هم پیمانانش در منطقه خاورمیانه می باشد. کاربرد این پژوهش می تواند در سازمان های و مراکز تحقیقاتی - امنیتی به عنوان شناخت و درک صحیح سیاست های خارجی ایالات متحده امریکا بر پایه سیاست تغییر باراک اوباما در قبال منطقه خاورمیانه باشد.

پیشینه و سوابق پژوهش:

هیچ تحقیقی در خلأ صورت نمی گیرد، بنابراین بطور طبیعی، هر پژوهشی در تداوم پژوهش های پیشین به انجام می رسد، تا هم از دوباره کاری ها در آن اجتناب شود و هم از داده های تحقیقات پیشین برخوردار گردد. ارتقاء دانش نیز به همین تداوم وابسته است، هر پژوهش باید متکی به دستاوردهای پیشین باشد در حالیکه خود هم سخنی تازه دارد و هم روشهایی دقیق تر در شناخت پدیده بکار می گیرد. همچنین مطالعه تحقیقات گذشته این امکان را برای کاوشگر مقدور می نماید تا ضمن ارائه مطالعه خود به خواننده، حدود و ثغور تحقیق خود را تحدید نماید و منجر به توسعه مطالعات قبلی گردد و معیاری برای مقایسه نتایج یک مطالعه با دیگر یافته ها را فراهم نماید. بنابراین در این قسمت از تحقیق به مرور اجمالی مطالعات پیشین پرداخته می شود:

سابقه پژوهش:

۱- مقاله روابط ویژه ایالات متحده - اسرائیل و سیاست خاورمیانه ای دولت باراک اوباما نوشته محمدرضا ملکی و فرزاد محمدزاده ابراهیمی که در فصلنامه بین المللی خارجی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹ صص ۱۰۷-۱۳۶

چاپ گردیده است؛ به روابط دو کشور ایالات متحده و اسرائیل پرداخته است. نگارنده این مقاله روابط دو کشور را در شش دهه اخیر به دور از حاکمیت هر یک از احزاب دموکرات یا جمهوری خواه از زمان شناسایی اسرائیل تا به حال به عنوان مهم‌ترین متحد و پشتیبان استراتژیک اسرائیل در سطوح مختلف بررسی نموده است و تمام رؤسای جمهور ایالات متحده را در قبال امنیت اسرائیل به گونه‌ای همه‌جانبه مسئول دانسته است. از دید نگارنده شکل‌گیری چنین رابطه ویژه‌ای باعث شده تا در پیوند راهبردی دو کشور تغییر آن‌چنانی حاصل نشود. اسرائیل برای ایالات متحده سرمایه‌ای استراتژیک محسوب می‌شود. نقش گروه‌های متنفذ و قدرتمند یهودی امریکا، منافع متقابل طرفین، وجود ارزش‌ها و نگرش‌های مشترک و تأثیر ساختارها، نهادها و سازوکارهای همسان بر رویکردهای سیاست داخلی و خارجی دو کشور و همین‌طور سیاست ابهام هسته‌ای اسرائیل از جمله عواملی هستند که در تقویت این روابط و ایجاد تفاهم بین دو کشور نقشی اساسی ایفا می‌کنند. باراک اوباما رئیس‌جمهور کنونی ایالات متحده نیز ضمن حمایت خود از اسرائیل یادآور شده که در اتحاد دو کشور خللی وارد نخواهد کرد. این مقاله روابط ویژه ایالات متحده - اسرائیل و سیاست خاورمیانه‌ای دولت اوباما را مورد بررسی قرار داده و بر تحکیم و تداوم رابطه ویژه دو کشور در آینده نیز تأکید می‌کند.

۲- مقاله نشانه‌ها و فرایندهای سیاست خارجی اوباما (۲۰۱۰-۲۰۰۹) نوشته ابراهیم متقی و حمید رهنورد، نوشته شده در فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۵۸-۱۲۱؛ به بررسی سیاست خارجی باراک اوباما پرداخته شده است. نگارنده سیاست خارجی اوباما را تابعی از نیازها و ضرورت‌های ساختاری در ایالات متحده می‌داند. طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۲ زمینه برای نقد الگوهای رفتاری جورج بوش در ساختار سیاسی امریکا بوجود آمد. ساخت‌های بوروکراتیک و نخبگان سیاسی امریکا به این جمع‌بندی رسیدند که چنین فرایندی، مخاطرات امنیتی فراگیری را برای امریکا ایجاد خواهد کرد. سیاست تغییر امریکا در چنین فرایندی سازمان‌دهی شد؛ اما در عمل با دگرگونی‌های مشهود و قابل توجهی روبه‌رو گردید. در این مقاله تلاش شده است تا عوامل به قدرت رسیدن اوباما در دو سطح داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته شود. از سوی دیگر، شاخص‌های سیاست تغییر، تبیین شده و در نهایت پی‌آمد آن در رفتار سیاسی و سیاست خارجی اوباما مورد بررسی قرار گرفته است. تبیین موضوع بر اساس رهیافت ساختارگرایی در جامعه امریکا انجام گرفته است. بنابراین فرآیندهای برگشت‌پذیر در سیاست خارجی اوباما را می‌توان تحت تأثیر مؤلفه-